



محمد جواد لاریجانی در گفت‌وگوی تفصیلی مشترک

با «تسنیم» و «فرهیختگان» از گذشته، حال و آینده مذاکرات گفت

مذاکره غیر مستقیم مذاکره برای هیچ نیست

آن‌ها که نظام را به خالص سازی متهم می‌کنند، استاد خالص سازی اند

۱۵،۱۴ و ۱۶



یک «نا» دیپلمات دیگر در مسقط

از مایکل آنتوان، سرتیم گروه کارشناسی آمریکا چه می‌دانیم؟

۲

آقای روستایی

مراقب زیر زمین باش!

«فرهیختگان» آورده‌ها و پیامدهای ایده توافق موقت احتمالی را بررسی می‌کند

نوستان‌ری ژنو؟

۲

دکتر طهرانچی در جمع معاونان فرهنگی بر ضرورت فهم دقیق جامعه‌پردازی تأکید کرد

با چند پوستر و برنامه نمی‌توان فرهنگ ساخت

۴

برو این دام بر مرغ دگر نه

محمد امین ایمانجانی
مدیر مسئول

سرمقاله

تیم مذاکره‌کننده ایرانی امروز برای بار سوم روزی تیم مذاکره‌کننده ترامپ می‌ایستد، آمریکایی‌ها به وضوح در مقابله با ایران دو مسیر را با هم پیگیری می‌کنند؛ نخست مذاکره و دوم تهدید نظامی. آن‌ها در انجام هر دو راهبرد اثرگذاری اجتماعی بر جامعه ایرانی و جنگ شناختی علیه ایران را دنبال می‌کنند.

بررسی تاریخ خیانت‌های آمریکایی‌ها در ایران نشان می‌دهد عملیات روانی روی موضوعات قومی و مذهبی از اولویت‌های آنهاست، آن‌ها این روزها مترصدند از کوچک‌ترین اشتباه‌ها در موضوع اختلافات دینی نهایت استفاده را ببرند.

تحریک گسل مذهبی و تلاش برای اجتماعی‌سازی و اختلاف‌افکنی از این مسیر پروژه‌ای است که در دوره‌های مختلف از سوی آن‌ها آزموده شده است. البته آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها به وضوح در این مسئله دچار خطای شناختی هستند، موضوع وحدت مذاهب اسلامی در ایران مسئله‌ای متعلق به امروز و دیروز نیست، وحدت مذهبی دال مرکزی گفتمانی است که حتی به قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد؛ موضعی که هم ریشه در سنت دینی ایرانیان دارد و هم در سنت روشنفکری.

در سال‌های پیش از انقلاب آیت‌الله بروجردی به عنوان بزرگ مرجع شیعی پیش منادی این ایده بود آن هم در وضعی که دستگاه جور دربار بدش نمی‌آمد این گسل را تحریک کند. با پیروزی انقلاب اسلامی و رهبری حضرت امام، وحدت به عنوان گفتمان مرکزی حلقه پیشران شعارهای انقلاب در همه سطوح پیگیری شد که وحدت بین اهل سنت و شیعیان را هم در بر می‌گرفت، با رهبری آیت‌الله خامنه‌ای این راهبرد از سوی ایشان با جدیت دوجندانی پیگیری شد.

ادامه در صفحه ۷

کدام رسانه؟

کدام گسل اجتماعی؟

محمد زعیم‌زاده
سردبیر

یادداشت

اعتراض زمانی تبدیل به کنش مخرب می‌شود که هم راستا یا متقاطع با گسل‌های اجتماعی واقعی یا برساخته واقع شود، یک حکمرانی خوب اولاً تلاش می‌کند با بهبود شاخص‌های حکمرانی فضای اعتراضی را کاهش دهد؛ ثانیاً وظیفه خود می‌داند با همه ابزارهایش، گسل‌هایی را که جامعه را به دو یا چند دسته انبوه تقسیم می‌کند، کاهش دهد یا حداقل غیرفعال نگه دارد. حال اگر در شرایطی که حکمرانی درگیر یک جنگ شناختی پیچیده و چند لایه است، یک رسانه رسمی تبدیل به پیشران فعال‌سازی یکی از گسل‌های غیرواقعی و برساخته قومی، مذهبی و... شود چه باید گفت؟ اساساً چطور می‌شود که یک رسانه به ابزار قطبی‌سازی جامعه تبدیل شود؟

۱- رسانه به مثابه روابط عمومی سیستم حکمرانی

این یک جدال قدیمی میان مالکان و رسانه‌ای هاست، روابط عمومی بودن یا رسانه بودن؟ مالکان و ذی‌نفعان معمولاً حتی اگر به زبان نیاورند هم رسانه را به عنوان ابزاری برای پیام‌های صریح می‌خواهند ولی اهالی رسانه معتقدند حتی یک روابط عمومی خوب اول باید یک رسانه خوب باشد. در چنین شرایطی هر قدر رسانه در افکار عمومی به مثابه روابط عمومی سیستم حکمرانی جا بیفتد خطر آسیب‌پذیر بودن آن بالاتر می‌رود و در بزرگ‌ها و لغزش‌ها امکان خودترمیمی آن کاهش می‌یابد و با کوچک‌ترین اشتباهی می‌تواند گسل‌های اجتماعی را فعال کند.

۲- رسانه عمومی یا رسانه خاص

رسانه عمومی در شناسایی ارزش‌های خبری، فم، لحن و ادبیات تابعی از مصالح عمومی و سلاقی عموم جامعه است و هنرمندانه بین این دو مخرج مشترک می‌گیرد و این نگاه عمومی در همه بخش‌های آن جاری و ساری است؛ رسانه عمومی در بازل دو جامعه‌ای شدن نمی‌افتد و

خود بین مردم خط و مرز تعیین نمی‌کند. رسانه عمومی برای توجیه و توضیح تصمیم‌ها، سیاست‌ها و روندها به سمت تولید استدلال عمومی می‌رود.

رسانه عمومی خبر جمعی را می‌شناسد و روی فصول مشترک تولید پیام می‌کند.

رسانه عمومی سرگرمی را می‌شناسد و به دیالکتیک پیام و سرگرمی باور دارد

و... رسانه خاص کار در تولید استدلال و ادبیات و فم و لحن درست نقطه مقابل

رسانه عمومی است. رسانه خاص گراخود تولیدکننده گسل اجتماعی است. حالا

گاهی با اشتباه و نفوذ اما اوقات خود خواسته و برنامه‌ریزی شده، رسانه خاص گراخود بخشی

از صورت مسئله است.

ادامه در صفحه ۳

ماجرای کن

و فیلم جدید روستایی

نباید او را به سمت پناهی

و رسول اف شدن ببرد

۱۳

